

نقدی بر ترجمه کتاب شیعه در اسلام مرحوم علامه طباطبایی

قدرت حاجی رستم‌لو^۱

چکیده:

ترجمه به عنوان یکی از ابزارهای اصلی گسترش علم و فرهنگ همواره مورد توجه ملت‌ها بوده است. نقد ترجمه یکی از سازوکارهایی است که می‌تواند کیفیت ترجمه را به طرز چشمگیری ارتقاء بخشد. در همین راستا، مقاله حاضر به بررسی و ارزیابی ترجمه انگلیسی کتاب شیعه در اسلام نوشته مرحوم علامه طباطبایی (قدس سره) می‌پردازد. برای نیل به این هدف ابتدا ماهیت نقد مورد بررسی قرار گرفت و سپس ملاک‌ها و موازینی برای انجام نقد معرفی گردید. در نهایت بر اساس یکی از چهارچوب‌های معرفی شده ترجمه فوق مورد ارزیابی قرار گرفت. بر اساس بررسی‌ها و ارزیابی‌های ارائه شده، این کتاب با موفقیت قابل توجهی ترجمه شده است گرچه خالی از اشکالات اندک نمی‌باشد.

کلید واژه‌ها: ترجمه، نقد ترجمه، کتاب شیعه در اسلام، علامه طباطبایی، حسین نصر.

مقدمه

ترجمه از دیر باز یکی از بایسته‌های مهم در عرصه علم و فرهنگ بوده است. ترجمه به عنوان یک ابزار دو سویه از یک طرف به ملت‌ها کمک کرده است تا با برگردان منابع علمی و فرهنگی دیگران به زبان خود از گنجینه‌های علمی و ادبی آنها بهره‌مند شوند. از طرف دیگر، ملت‌ها و دولت‌هایی که داعیه رهبری و هدایت دیگران را داشته‌اند و یا آنهایی که خود را صاحب ایدئولوژی و تفکر برتری دانسته و خود را

۱- استادیار دانشگاه امام حسین (ع).

مكلف به ابلاغ پیام دین و ایدئولوژی خود به دیگران دانسته‌اند، همواره تلاش کرده‌اند با ترجمه منابع مربوط به خود به زبان‌های هدف و نشر آنها، ملت‌های دیگر را تغذیه فکری نمایند.

امروزه با توجه به گسترش خارق‌العاده ارتباطات، وقت آن است که با استفاده از ترجمه به عنوان یکی از مسالمت‌آمیزترین راه‌های ورود به فرهنگ و باورهای ملت‌ها و ابزار ایجاد تعامل با آنها، پیام مکتب شیعه در کمترین زمان و با بهترین شکل ممکن به گوش مردم دنیا رسانده شود. با وجود چنین انگیزه معنوی پر ارزش، لازم است تلاش برای ترجمه دقیق و اثربخش آثار مفاخر شیعه بیش از پیش گسترش داده شده و بشريت تشنه معنویت از برکات مکتب شیعه سیراب گردد.

اما خلق ترجمه‌های دقیق و اثربخش در حوزه فرهنگ به‌طوراعم و در حوزه دین به‌طور اخص با چنان پیچیدگی‌ها و مشکلاتی همراه است که حتی برخی از ترجمه‌پژوهان از ترجمه‌ناپذیری بخش زیادی از مفاهیم فرهنگی و دینی سخن به میان آورده‌اند. (نیو-مارک، بیکر، کالزادا ملانظر و محقق، منصورى، و...). قدر مسلم این است که مسائلی از قبیل نبود معادل‌های مناسب برای واژگان زبان مبدا در زبان مقصد، نبود انطباق بین محدوده‌های معنایی کلمات در زبان مبدا و مقصد، دشواری و حتی ناممکن بودن انتقال همزمان مفاهیم و صورت‌های مربوطه، و ابهامات نحوی و واژگانی ترجمه دقیق و اثربخش متون فرهنگی و مذهبی را با دشواری‌های فراوانی همراه کرده است.

اما با وجود این مصائب، در انجام ترجمه‌هایی که به گفته داگلاس رابینسون (۱۹۹۸) «برگردان تمام متن با دقت کامل و بدون کم و کاست» باشند، سازوکار نقد ترجمه می‌تواند بسیار نقش‌آفرین باشد. توجه به نقد می‌تواند به ترجمه رشد و تعالی بخشد و آن را به جایگاه واقعی خود که به گفته تقیه (۱۳۸۲) کمتر از تالیف نیست، برساند. نقد عالمانه و مشفقانه آثار مترجمین باعث می‌شود آنها حداکثر تلاش لازم را برای «برگردان تمام متن با دقت کامل و بدون کم و کاست» بکار گیرند و آثاری فاخر بی‌آفرینند. در راستای این هدف، نگارنده قصد دارد در اینجا به نقد ترجمه کتاب شیعه در اسلام علامه طباطبائی که به قلم شیوای دانشمند صاحب نام جناب آقای حسین نصر ترجمه شده است، بپردازد. از آنجاییکه نقد همه این کتاب خارج از گنجایش یک مقاله می‌باشد، بررسی‌های نگارنده محدود به بخش دوم کتاب خواهد بود. اما به نظر

می‌رسد قبل از پرداختن به موضوع اصلی مقاله، لازم است مقدماتاً اشاره‌ایی به نقد ترجمه و اصول و معیارهای مربوط به آن صورت گیرد.

۱- نقد ترجمه چیست؟

یکی از معانی واژه «نقد» در فرهنگ فارسی عمید که با موضوع بحث ما در اینجا مرتبط است، «ظاهر ساختن عیوب یا محاسن کلام» می‌باشد. بر اساس این معنی، اصولاً «نقد ترجمه» باید به بررسی و ارزیابی آثار ترجمه شده پرداخته و معایب و محاسن آنها را به نظر اهل فن برساند. به عبارت دیگر، هدف منتقد ترجمه این است که کار مترجم را مورد ارزیابی قرار داده و با قضاوتی آگاهانه و منصفانه تصمیم بگیرد که آیا وی توانسته است به وظیفه خود به عنوان مترجم عمل کند یا نه.

همانگونه که از معنای لغوی واژه «نقد» و معنای اصطلاحی «نقد ترجمه» بر می‌آید، و برخلاف نظر رایج، در نقد یک اثر ترجمه شده نباید صرفاً به عیب‌جویی از کار مترجم پرداخت، بلکه باید با بررسی عالمانه و منصفانه ترجمه، نقاط ضعف و همینطور نقاط قوت آن را منعکس کرد. متأسفانه این رویکرد صحیح کمتر در آثار نقد دنبال می‌شود و گاه‌آ دیده می‌شود که به خاطر چند خطای مترجم کل زحمات وی زیر سؤال می‌رود. نایدا (۱۹۶۴) در این ارتباط می‌گوید، «بیشتر مترجمان از کار نام‌آجور خود جزء دستمزد ناچیز و دشنام فراوان نصیب دیگری نبرده‌اند... کار مترجم اساساً دشوار و نام‌آجور است. هر گاه خطایی از او سر بزند، بیرحمانه به باد انتقاد گرفته می‌شود، حال آنکه ستایش از کارهای خوب او همواره کم‌رنگ و سرسری است... اما با آنکه کار مترجم بندرت بر اثر ستایش دیگران مأجور می‌افتد، ترجمه خود اجر خویشتن است، زیرا ترجمه موفق متضمن یکی از پیچیده‌ترین فعالیت‌های ذهنی بشر است». (همو، ۲۹)

صرف نظر از افراط و تفریط‌هایی که در حوزه نقد ترجمه انجام می‌پذیرد، در خصوص ضرورت نقد ترجمه نباید هیچگونه تردیدی به دل راه داد. نقد عالمانه و منصفانه که نقاط ضعف و همینطور نقاط قوت یک اثر را مورد امعان نظر قرار می‌دهد از یک سو مترجمان صاحب آثار فاخر را در کار خود تشویق کرده و آنها را برای استمرار بخشیدن به آنچه که از نظر نگارنده این سطور موجب اعتلای فرهنگ و دانش بشری می‌گردد، تشویق می‌کند. از دگر سو، نقد منصفانه و جدی، عیوب و لغزش‌های مترجم را به نظر

اهل دانش می‌رساند و چه بسا در مواردی به گفته ذکاوتی (۱۳۶۵) افراد «کم اطلاع ممکن است بی توجه به نقص و عیب ترجمه یا محتوا، بی‌خبرانه (آن) را بخوانند و دچار اشتباهاتی شوند». به این ترتیب، کار منتقد می‌تواند در نهایت از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری کند. بنابراین، اگر هدف مترجم صرفاً کسب شهرت و یا منافع مادی اثر مربوطه نباشد و ضمن دنبال کردن اهدافی از این قبیل، اعتلای دانش و فرهنگ بشری را نیز به عنوان هدف در نظر داشته باشد، وی نه تنها از نقد منصفانه نخواهد - رنجید، بلکه اصولاً منت‌پذیر چنین کاری نیز خواهد بود.

نکته دیگر در باب ضرورت نقد ترجمه این است که توجه جدی به این موضوع باعث می‌شود مترجمان همواره خود را زیر ذره‌بین نقادان تیزبین احساس کنند و به گفته تقیه (۱۳۸۴) «وسواس بیشتری در کار خود به خرج دهند» و نتیجه این فرایند نهایتاً می‌تواند به رشد و تعالی ترجمه بیانجامد.

برای اینکه منتقد بتواند به بهترین شکل ممکن به ضرورت نقد ترجمه پاسخ داده و وظیفه خود را به درستی به سر منزل مقصود برساند و برای کاستن از افراط و تفریط‌ها در کار نقد ترجمه، لازم است ملاک‌هایی هر چند غیر جامع و غیر مانع برای انجام این مهم تعریف گردد.

۲- ملاک‌های نقد ترجمه

قبل از پرداختن به هرگونه بحثی درخصوص ملاک‌های نقد ترجمه، لازم است اشاره‌ایی به ماهیت محور این مبحث یعنی خود ترجمه داشته باشیم. تقریباً همه ترجمه‌پژوهان متفقاً اعتقاد دارند که مطلوبترین نوع ترجمه، ترجمه‌ایی است که پیام زبان مبدأ را بدون حذف هیچ بخشی از صورت و معنا به زبان مقصد انتقال دهد. اما همان متخصصان بر این باورند که انجام چنین کاری بویژه هنگامی که پیام از ابعاد خاصی ادبی و مذهبی برخوردار باشد، امکان‌پذیر نیست. بطور طبیعی برای ترجمه چنین پیام‌هایی، مترجم مجبور است یک سری دست‌کاری‌هایی را صورت دهد و چیزهایی را بیفزاید و چیزهایی را بکاهد تا مخاطب پیام بتواند آن را بپذیرد و به سهل‌ترین شکل ممکن درک کند. صلح‌جو (۱۳۶۵) تعبیر قشنگی را برای همین منظور بکار برده است. وی می‌گوید «هیچ پیامی به معنای دقیق کلمه بی‌کم و کاست و بدون تغییر، هر چند اندک، از صافی

ترجمه عبور نمی‌کند. خاصیت این صافی چنان است که اجازه عبور هیچ چیز را از درون خانه‌های شبکه پیچیده‌اش نخواهد داد مگر اینکه آن چیز بتواند خود را با وضعیت خانه‌های شبکه مذکور هماهنگ سازد و در همین هماهنگ‌سازی است که جرح و تعدیل‌های اجتناب‌ناپذیر پیش می‌آید». (همو، ۳۷)

تعریف هر گونه ملاک و معیار برای ارزیابی ترجمه باید با در نظر گرفتن این واقعیت گریزناپذیر مربوط به ماهیت ترجمه صورت گیرد و خود این گزاره حکایت از صعب‌الوصول بودن چنین ملاک و معیارهایی دارد. صفوی (۱۳۷۱) بر این موضوع تأکید کرده و می‌گوید «واقعیت این است که نقد علمی ترجمه در چهارچوب اختیارات گزینشی مترجم نباید تحمیل سلیقه خاص منتقد را به همراه داشته باشد. ترجمه بنا بر جوهر وجودیش در میان علوم انسانی پیچیدگی‌های فراوان دارد و طبعاً نقد علمی آن نیز بس دشوار می‌نماید.» وی در جای دیگر می‌گوید «تعیین ملاک‌های روشن و صریح برای قضاوتی درست در نقد علمی ترجمه بسیار دشوار می‌نماید. این پیچیدگی از آنجا نشأت می‌گیرد که هر مترجم از دیدگاه و با بینش خاص خود عناصر زبانی را بکار می‌گیرد و منتقد ترجمه نیز از دیدگاه ویژه خود به نقد می‌پردازد. بدین ترتیب بسیاری از نقدهای ترجمه حکم اعمال سلیقه‌ایی دیگر بر سلیقه مترجم را داشته و از دیدگاه علمی پذیرفتنی نیست.» سهیلی (۱۳۶۵) از زاویه دیگری به همین موضوع نگریسته و خاطر نشان می‌کند «نقد علمی ترجمه یعنی تعیین ملاک‌های صریح و روشنی که بتواند مبنای قضاوت‌های درست در این رشته از دانش بشری قرار گیرد کاری است بس دشوار و پیچیده. دشواری در نقد علمی ترجمه صرفاً از اینجا نشأت می‌گیرد که بنیان ترجمه بر دانش واحدی استوار نیست، بلکه شالوده آن را آگاهی‌های متفاوت زبانی و فرازبانی تشکیل می‌دهد و از همین روست که می‌توان آن را از دیدگاه‌های متفاوتی بررسی نمود».

با وجود مشکلاتی که در تعریف ملاک‌ها و موازین نقد ترجمه مطرح است، محققین زیادی در این زمینه به کنکاش پرداخته و تلاش کرده‌اند چهارچوب‌هایی را برای این منظور تعریف کنند. رایس (۱۹۷۱) با استفاده از ملاک‌هایی از قبیل روانی متن ترجمه و نبود غلط‌های معنایی به دنبال «معادل کامل»^۱ در ترجمه است. وی معتقد است در

1- full equivalence

ارزشیابی و نقد ترجمه باید نوع متن، عوامل زبانی و غیر زبانی مربوط به آن در نظر گرفته شوند. رایس ترجمه را مشتمل بر دو نوع متن مدار و هدف مدار دانسته و می‌گوید هر دو نوع ترجمه متأثر از عوامل غیر عینی مانند نوع درک مترجم از متن و شخصیت او هستند. او بر این باور است که منتقد ترجمه نیز تحت تأثیر همین مؤلفه‌ها است، و تأکید می‌کند که میزان عینیت نقد ترجمه به این بستگی دارد که منتقد تا چه میزان بتواند عوامل غیر عینی مورد اشاره را در نظر بگیرد.

جولیان هاوس (۱۹۹۸)، نقل شده در فرحزاد (۱۳۸۲)، چهار رویکرد را برای نقد و ارزشیابی کیفیت ترجمه ذکر می‌کند: رویکرد حکایت‌گونه و غیر عینی، رویکرد واکنش مدار و روانشناختی زبان، رویکرد متن مدار، و رویکرد نقشی - منظورشناختی.^۱ رویکرد اول بر مفاهیمی مانند «وفاداری به متن مبدأ» و «روانی متن مقصد» استوار است. رویکرد دوم به جنبه ارتباطی ترجمه معطوف بوده و به دنبال نوعی تعادل پویا بین متن مبدأ و متن مقصد می‌باشد. رویکرد سوم عمدتاً به دنبال مقابله متن مبدأ و متن مقصد بوده و هدف آن کشف قاعده‌مندی‌های معنایی، نحوی و سبکی در ترجمه می‌باشد. و بالاخره در رویکرد چهارم، متن مقصد زمانی معادل متن مبدأ به حساب می‌آید که از لحاظ نقش‌های انگار ساختی^۲ و نقش‌های میان‌فردی^۳ با آن برابر باشد.

صفوی (۱۳۸۲) معتقد است در نقد ترجمه باید ملاک‌های درون‌زبانی را از ملاک‌های برون‌زبانی تفکیک کرده و این دو مقوله را جدا از یکدیگر مورد بحث و بررسی قرار داد. وی تحمیل نگرش خاص از طرف مترجم را بر متن ترجمه شده از جمله مصادیق ملاک‌های برون‌زبانی ذکر می‌کند، و در میان ملاک‌های مهم درون‌زبانی به افزایش واژگانی، کاهش واژگانی، ترفیع معنایی، تنزل معنایی، نظم‌افزایی، و نظم‌کاهی اشاره می‌کند. منظور وی از افزایش واژگانی اضافه کردن واحدهای واژگانی بر ترکیب متن مبدأ است به شرطی که به کیفیت ترجمه بیفزاید ولی به لحاظ معنایی اطلاعاتی به انتخاب‌های نویسنده متن مبدأ اضافه نکند. کاهش واژگانی درست نقطه مقابل افزایش واژگانی است. منظور از ترفیع معنایی این است که مترجم در انتخاب معادل برای متن مبدأ، واحدی را از زبان مقصد برگزیند که دارای بار معنایی هم‌تراز با واحد زبان مبدأ

1- functional-pragmatic
2- ideational functions
3- interpersonal functions

نیست. برای مثال، کلمه «رشید» واحدی همتراز با صفت tall در زبان انگلیسی نیست، بلکه مراتب بالاتری دارد. در تنزل معنایی دقیقاً عکس ترفیع معنایی اتفاق می‌افتد. نظم-افزایی و نظم‌کاهی هم بدین معنی هستند که مترجم به هنگام برگرداندن متن زبان مبدأ، با استفاده از ابزارهای نظم آفرینی نثری را بصورت منظم ترجمه کند و یا بالعکس. البته، ایشان در کنار این معیارها، به چند معیار دیگری از جمله «انتقال روح اثر»، «انتخاب سبک مناسب»، و غیره نیز اشاره می‌کند، ولی آنها را عمدتاً مفاهیمی نسبی و تعریف نشده تلقی می‌کند.

و بالاخره، فرحزاد (۱۳۸۲) «تحلیل انتقادی گفتمان»^۱ را چهارچوب مناسبی برای نقد ترجمه می‌داند و معتقد است نقد ترجمه نباید به درست یا غلط بودن ترجمه بپردازد، بلکه باید بررسی کند انتخاب‌های مترجم چه دلالتی دارند، کدام چهارچوب ایدئولوژیکی را منعکس می‌کنند، و هویت‌های فرهنگی را چگونه به تصویر می‌کشند. هر کدام از چهارچوب‌هایی که برای نقد ترجمه مورد اشاره قرار گرفت، نقاط قوت و ضعفی دارد که لازم است در جای خود مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما در مقام مقایسه می‌توان گفت که چهارچوب نقد ارائه شده از طرف صفوی (۱۳۸۲) رویکرد کاربردی بیشتری دارد و به همین دلیل بررسی‌های انجام گرفته در این نوشتار عمدتاً بر اساس همین چهارچوب خواهد بود.

و اما بر خلاف شیوه رایج نقد ترجمه که بر اساس آن فهرستی از عمدتاً نقاط ضعف و اشکالات ترجمه بدون ارائه یک جمع‌بندی مناسب، تهیه و ارائه می‌گردد، در اینجا به سه دلیل مهم روش متفاوتی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و آن این است که بخش‌هایی از ترجمه فصل دو کتاب به همراه متن فارسی آنها که در برگزیده موارد مهم مثبت و منفی از دیدگاه ترجمه‌شناسی هستند، ارائه شده و مورد بحث قرار می‌گیرند و در آخر یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بر اساس معیارهای نقد ترجمه عرضه می‌گردد. و اما دلایل اینکه اولاً اکثر موارد مورد اشاره در نقد ترجمه از ماهیت یکسانی برخوردار هستند و ذکر آنها باعث تکرار مکررات می‌شود، و دوماً در بسیاری از موارد در یک جمله و پاراگراف واحد همزمان نقاط ضعف و قوت مطرح هستند و به این ترتیب اگر بنا بر طرح نقاط ضعف و قوت ترجمه باشد که در اینجا است، باید همان جمله یا

1- critical discourse analysis

پاراگراف در دو جا و برای دو منظور مطرح گردد. سوماً، با ارائه اصل متن و ترجمه آن، اهل فن بهتر می‌توانند در مورد ارزیابی‌های انجام گرفته قضاوت کنند.

۳- نقد فصل دوم ترجمه کتاب شیعه در اسلام

لازم می‌دانم بر اساس آنچه که در تعریف نقد منصفانه گفته شد، قبل از آغاز بحث این بخش اشاره داشته باشم که ترجمه کتاب شیعه در اسلام به کوشش جناب آقای حسین نصر آن هم در سال ۱۳۵۰ و نشر آن از طرف انتشارات انصاریان قم گام بسیار بلندی برای معرفی مکتب تشیع به خوانندگان انگلیسی زبان بوده است و چاپ چندین بار آن حکایت از همین واقعیت دارد. همچنین باید خاطر نشان کنم به دلیلی که در مقدمه مقاله مورد اشاره قرارگرفت، بدون شک مترجم محترم در کار خود بسیار موفق بوده است و انتقادهایی که در اینجا مطرح می‌گردد به هیچ وجه از ارزش والای کار او نخواهد کاست.

مقدمه شیوای مترجم از امتیازات مهم این ترجمه است که در پنج بخش تدوین گردیده است. در بخش اول رویکرد لازم برای مطالعه مکتب شیعه مورد بحث قرار گرفته است که حقاً روشنگری مناسبی را برای مخاطبین ترجمه اثر ارائه می‌کند. بخش دوم مقدمه مکتب شیعه و اصول آن را اجمالاً معرفی می‌کند که به نظر نگارنده مطالعه این بخش نیز قبل از آغاز مطالعه کتاب حائز اهمیت زیادی است. در سه بخش دیگر، مطالعات کنونی در حوزه تشیع، کتاب شیعه در اسلام، و مرحوم علامه طباطبایی به ترتیب معرفی شده‌اند که به استثنای مورد اول که بیش از حد مؤجز بیان شده است، در برگیرنده اطلاعات ارزشمندی در موارد مربوطه می‌باشند.

تغییر سبک متن اصلی نقطه قوت کلی دیگر مربوط به این ترجمه می‌باشد. در مباحث نظری ترجمه بطور جد گفته می‌شود حفظ سبک متن مبدأ یکی از مصادیق امانتداری است و حقاً نیز این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد و حتی در برخی از متون مانند شعر و دیگر انواع ادبی عدم تحقق آن در واقع می‌تواند خاصیت متن را از آن بگیرد، اما در خصوص کتاب شیعه در اسلام باید اذعان داشت که سبک مرحوم علامه طباطبایی در این اثر بگونه‌ایی است که حتی فهم بخش‌هایی از آن را برای یک فرد فارسی زبان فاقد پیشینه و اطلاعات مربوط به حوزه مورد بحث دچار مشکل می‌کند. به نظر می‌رسد

اگر این متن با همان سبک اصلی به انگلیسی ترجمه می‌گردید، بطور قطع خوانندگان انگلیسی زبان که اصولاً انتظار می‌رود تازه با خواندن این اثر با تشیع آشنا شوند، دچار مشکلات دو چندان می‌شدند. تصور می‌شود مترجم با علم بر این موضوع و با در نظر گرفتن مخاطبین خود، ضمن وفاداری به مفاهیم اثر، سبک آن را به شکل‌های مختلف از جمله تقطیع جمله‌های بلند، تغییر شیوه پاراگرافبندی متن اصلی، استفاده از واژگان روزمره بجای واژگان تخصصی، و غیره تغییر داده است و نتیجتاً ترجمه اثر از سلاست و روانی قابل قبولی برخوردار شده و برای همگان قابل فهم گشته است. و اما اجازه دهید بررسی ترجمه را با پرداختن به نمونه زیر آغاز بکنیم:

نمونه ۱

... از سوی دیگر می‌بینیم قرآن کریم با بیانی جالب روشن می‌سازد که همه معارف حقیقیه از توحید و خداشناسی واقعی سرچشمه می‌گیرد و استنتاج می‌شود و کمال خدا شناسی از آن کسانی است که خداوند آنان را از هر جای جمع‌آوری کرده و برای خود اختصاص داده است. آنان هستند که خود را از همه کنار کشیده و همه چیز را فراموش کرده‌اند و در اثر اخلاص و بندگی، همه قوای خود را متوجه عالم بالا ساخته دیده به نور پروردگار پاک روشن ساخته‌اند و با چشم واقع بین، حقایق اشیاء و ملکوت آسمان و زمین را دیده‌اند، زیرا در اثر «اخلاص و بندگی» به یقین رسیده‌اند و در اثر یقین ملکوت آسمان و زمین و زندگی جاودانی جهان ابدیت بر ایشان مکشوف شده است.

Also, in addition to guidance in the external and intellectual aspects of religion, we see that the Holy Quran in subtle terms explains that all true religious science originates and comes from Divine Unity (tawhid) and the knowledge of God and His Attributes. The perfection of the knowledge of God belongs to those whom He has drawn from all places and elevated solely to Himself. It is these men who have forgotten themselves and all things and as a result of sincerity in obedience to God have been able to concentrate all their powers and energies upon the transcendent world. Their eyes have become illuminated through the vision of the light of the Pure Creator. With the eye of discernment they have seen the reality of things in the kingdom of heaven and earth, for through sincerity of obedience they have reached the station of certainty (*yaqin*). As a result of this certainty the kingdoms of heaven and earth and the immortal life of the eternal world have become revealed to them.

افزایش واژگانی: همانطور که مقایسه ظاهری طول دو متن به وضوح نشان می‌دهد، ترجمه دچار افزایش واژگانی است. البته واژگان اضافه بعضی جاها بجا و باهدف انسجام بیشتر بخشیدن به متن و روان‌سازی آن مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ولی در برخی موارد نیازی به استفاده از آنها نبوده است. برای مثال، عبارت *in addition to...of religion* در سطر اول معادلی در متن فارسی ندارد، ولی به نظر می‌رسد بکارگیری آن باعث ایجاد ارتباط و انسجام بیشتر بین موضوع مورد اشاره و قسمت‌های قبلی بحث شده است. همانطور که قبلاً نیز اشاره شده، مترجم سعی کرده است متن انگلیسی را به دلایلی که قبلاً گفته شد روان و سهل‌الضم کند که به نظر نگارنده به اقتضای شرایط سازوکار درستی است. اما در برخی موارد استفاده از این سازوکار دلیل قابل قبولی ندارد. مثلاً در سطر ۵ ترجمه عبارت *His Attributes*، در سطر ۷ عبارت *have been able to*، در همان سطر کلمه *energies* مواردی از این دست هستند. در مورد عبارت *His Attributes* ممکن است گفته شود که در کنار عبارت *the knowledge of God* به عنوان معادلی برای «خداشناسی» استفاده شده است، اما به نظر نمی‌رسد هدف مترجم این باشد، چرا که در سطر بعدی فقط *the knowledge of God* به عنوان معادل «خداشناسی» مورد استفاده قرار گرفته است.

در نمونه ۲ نیز افزایش واژگانی منفی و نابجا به چشم می‌خورد. در اینجا، عبارت *...nor is such acquiring of detailed knowledge required of everyone...* دارای هیچ گونه نقش معنایی قابل قبولی نیست.

در نمونه ۳ دو مورد افزایش واژگانی نابجا دیده می‌شود. در اینجا، برای عبارت‌های *and appreciable discussion* و *120,000 are known to exist* معادلی در متن اصلی دیده نمی‌شود و در عین حال از نظر نگارنده دلیلی هم برای آوردن آنها وجود ندارد.

افزایش واژگانی بجا و نابجا در سرتاسر ترجمه وجود دارد، ولی در مجموع می‌توان گفت بیشتر موارد افزایش واژگانی از نوع اول بوده و به منظور ایجاد انسجام و روان‌سازی متن بکار رفته‌اند.

تقطیع جملات: مقابله دو متن نشان می‌دهد که ترکیب جملات آنها متفاوت است. متن فارسی در کل مشتمل بر دو جمله بلند است، ولی متن انگلیسی از پنج جمله تشکیل یافته است. یکی از سازوکارهایی که مترجم در سرتاسر ترجمه بکار گرفته است، تقطیع جملات بلند و حتی در برخی موارد جملات بیش از حد بلند متن اصلی است. در متن

فارسی نمونه یک، جمله دوم شامل ۵ حرف ربط بین جمله‌ایی «و» است. به عبارت دیگر این جمله بلند شامل ۵ جمله است که با حروف ربط به یکدیگر متصل شده‌اند. همانطور که همه اهل می‌دانند اینگونه عطف و جمله‌سازی در زبان انگلیسی اصلاً مصطلح نیست، و اگر مترجم جمله را با همان شکل فارسی ترجمه می‌کرد، برگردان آن واقعاً حالت غیر عادی پیدا می‌کرد. بری رفع این مشکل، مترجم از راهبرد تقطیع استفاده کرده است که به نظر نگارنده روش مطلوبی است. اما استفاده از این روش بعضی جاها منجر به بروز مشکلات ساختاری شده است اگرچه تعداد آنها در مقایسه با موارد استفاده درست و بجا از روش تقطیع بسیار کمتر است. نمونه زیر یکی از این موارد است:

نمونه ۱-۱

ما می‌بینیم قرآن کریم در بیانات خود، همه مردم را طرف خطاب قرار داده گاهی بی‌اینکه حجتی به گفته خود اقامه کند، بلکه به مجرد اتکا به فرمانروایی خدائی خود، به پذیرفتن اصول اعتقادی مانند توحید و نبوت و معاد و احکام عملی مانند نماز و روزه و غیر آنها امر می‌کند و در برخی از اعمال نهی می‌نماید و...

It can be seen that the Holy Quran in its formal aspect addresses all people without providing any demonstration or proof. Rather, depending on the unique sovereignty of God, it commands people to accept the principles of faith such as divine unity, prophethood, eschatology; it gives them practical injunctions such as the daily prayers, fasting, etc.; and at the same time it prohibits them from committing certain other actions.

همانطور که پیداست، تقطیع جمله در متن انگلیسی باعث شده است که خواننده موضوع «خطاب قرار دادن مردم بدون اقامه حجت» را تمام شده تلقی کند، در حالیکه در متن اصلی این اشاره مقدمه‌ایی برای موضوع اصلی جمله یعنی «امر کردن مردم به پذیرفتن اصول اعتقادی و...» می‌باشد. به نظر نگارنده، تقطیع در اینجا جایز نیست و لازم است جمله اول را با استفاده از *and* به جمله دوم متصل شده و از کلمه *rather* صرف‌نظر گردد.

معادل‌یابی: از نکات قابل توجه دیگر در نمونه شماره یک موضوع معادل‌یابی است. همانند دو موضوع قبلی باید اذعان داشت که در اکثر موارد، مترجم در یافتن معادل برای واحدهای معنایی فارسی موفق عمل کرده است. در عین حال، مواردی از معادل‌ها

نیز وجود دارند که می‌شد دقیق‌تر و صحیح‌تر گزینش شوند. برای مثال، در متن بالا کلمه «جالب» به *subtle*، «معارف حقیقیه» به *true religious science*، و «روشن می‌سازد» به *explains* برگردانده شده‌اند، در صورتیکه معادل کلمه «جالب» واژه‌ای مانند *interesting* است. معادلی که برای «معارف حقیقیه» انتخاب شده است، خیلی با واقعیت معنایی آن متفاوت است، و مترجم محترم می‌توانست از معادل‌هایی مانند *true religious cognition, true gnostic knowledge, true esoteric knowledge* استفاده کند که اگرچه دقیقاً بیانگر مفهوم «معارف حقیقیه» نیستند، ولی خیلی قرین‌تر از معادل انتخاب شده می‌باشند. و بالاخره فعل «روشن می‌سازد» را می‌شد به *clarifies* یا واژه‌های مشابه آن برگرداند. در همین ارتباط، ترجمه عبارت «اخلاص و بندگی» نیز قابل توجه است که بدون توجه به حرف ربط بین دو واژه به *sincerity in obedience* برگردانده شده است.

در پاراگراف دوم نمونه ۲ نیز این مسئله به چشم می‌خورد. در اینجا، در مقابل عبارت «واجب کفایی» از *sufficient necessity* استفاده گردیده است. به نظر نگارنده خیلی بعید است که این معادل بتواند مفهوم «واجب کفایی» را در ذهن مخاطب انگلیسی زبان ایجاد کند و مترجم می‌توانست بجای آن از عبارت رایج‌تر *the collective obligatory duty* استفاده کند. همچنین به نظر می‌رسد در سطر دوم متن انگلیسی نمونه ۲، عبارت *to a certain extent* به عنوان معادل دیگری برای «واجب کفایی» بکار رفته است، ولی باید گفت که این عبارت اصلاً نمی‌تواند مبین معنای «واجب کفایی» باشد.

کاهش واژگانی: نکته مهم دیگری که در بعضی جاهای ترجمه به چشم می‌خورد و در نمونه یک نیز مصداق دارد، موضوع کاهش واژگانی و یا به عبارتی حذف برخی از واحدهای معنایی متن اصلی است. برای مثال، در نمونه شماره یک معادلی برای عبارت «خود را از همه کنار کشیده‌اند» دیده نمی‌شود.

همان‌طور که در نمونه شماره ۳ شاهد هستیم، یکی از مصادیق بسیار گسترده کاهش واژگانی عدم ترجمه قریب به اتفاق کلمات و عباراتی است که معمولاً برای مدح و ستایش بعد از اسامی خدا، پیامبر و معصومین بکار می‌روند. در نمونه ۳، عبارت «صلی الله علیه و آله و سلم» همانند موارد بسیار زیادی از این دست ترجمه نشده است. شاید این موضوع مستقیماً در انتقال پیام متن مشکلی ایجاد نکند، اما واقعیت این است که

عدم ترجمه این نوع کلمات و عبارات باعث کم رنگ شدن فضای معنوی حاکم بر متن می‌گردد و این نیز به نوبه می‌تواند بطور غیر مسقیم در انتقال پیام مؤثر باشد.

عدم استفاده هماهنگ از معادل‌های انگلیسی: این موضوع نیز تا حد زیادی ترجمه را دچار آسیب کرده است. مثلاً در نمونه شماره یک، عبارت «ملکوت آسمان و زمین» یک بار به the kingdom of heaven and earth و بار دیگر به the kingdoms of heaven and earth برگردانده شده است. در نمونه شماره ۵، همین عبارت (به استثناء کلمه سماوات که در اینجا جمع بکار رفته است) به شکل the Kingdom of the heavens and the earth ترجمه شده است.

دو مصداق دیگر این موضوع در نمونه ۳ مشاهده می‌شود. در اینجا، عبارت «تحصیل علم» سه بار بکار رفته است: در سطر اول، سطر دوم و سطر پنجم. بدیهی است که هر سه مورد دارای معنای دقیقاً یکسانی هستند. با این حال، مترجم دو مورد اول را به acquire برگردانده است، ولی در مقابل مورد سوم از واژه study استفاده کرده است. به این ترتیب، می‌توان گفت ترجمه مورد سوم از وجاهت برخوردار نیست و به خاطر آن معنای جمله عوض شده است.

نمونه دیگر این موضوع واژه «حدیث» است که در بعضی جاها مثل عنوان اول صفحه ۹۴ به tradition برگردانده شده است و در خیلی جاها مانند سطر اول صفحه ۹۴ و سطر ۲۴ صفحه ۹۵ کلمه «حدیث» ترجمه نشده است و واژه hadith در مقابل آن بکار است. این در حالیست که از واژه tradition در برخی جاها مانند عنوان دوم صفحه ۹۴ به عنوان معادل «سنت» و در جاهایی مثل سطر ۱۲ صفحه ۱۰۲ به عنوان معادل «خبر» استفاده شده است. واقعیت این است که استفاده از کلماتی مانند tradition که در زبان انگلیسی تقریباً از تعدد معنایی بالایی برخوردار هستند، معلوم نیست تا چه اندازه مخاطب انگلیسی زبان را به سمت معنای مورد نظر ما هدایت کند. حال اگر چنین واژگانی بطور مشخص برای اشاره به مفهوم معینی بکار گرفته نشوند، آن وقت دیگر واقعاً معلوم نیست خواننده متن چه حال و روزی خواهد داشت.

نگارش ناهماهنگ واژگان عربی در متن انگلیسی: و اما نکته آخر در خصوص نمونه شماره یک این است که در آن و در بعضی جاهای دیگر ترجمه واژه‌های عربی در متن ترجمه به یک شکل نگارش نشده‌اند. مثلاً در همین متن کلمه tawhid با حروف عادی

و کلمه *yaqin* با حروف ایتالیکی (خوابیده) تایپ شده است. نگارش کلمات غیر انگلیسی با حروف ایتالیکی به خواننده کمک می‌کند آنها را از کلمات انگلیسی متمایز کند و این نیز به نوبه می‌تواند خواندن و درک متن را تسهیل نماید.

نمونه ۲

البته روشن است که تحصیل علم به اصول دین، اگر چه با دلیل اجمالی باشد برای همه میسر و در خور توانایی است ولی تحصیل علم به تفصیل احکام و قوانین دینی از راه استفاده و استنباط فنی از مدارک اصلی کتاب و سنت (فقه استدلالی) کار همه کس نیست و تنها در خور توانایی برخی از افراد می‌باشد و در اسلام حکم طاقت فرسا (حرجی) تشریح نشده است.

از این روی، تحصیل علم به احکام و قوانین دینی از راه دلیل به طور واجب کفایی به بعضی از افراد که توانایی و صلاحیت آن را دارند، اختصاص یافته و...

It is clear that acquiring knowledge of the principles of religion, even if it be in summary fashion, is possible to a certain extent for everyone. But acquiring detailed knowledge of the injunctions and laws of religion through use of the basic documents of the Book and the Sunnah and technical reasoning based upon them (or what is called demonstrative jurisprudence, *fiqh-i istidlali*) is not possible for every Muslim. Only a few persons have the capacity for demonstrative jurisprudence, nor is such acquiring of detailed knowledge required of everyone, for there are no injunctions in Islam requiring one to do what lies beyond his abilities.

Therefore, the study of Islamic injunctions and laws through reasoning has been limited through the principle of "sufficient necessity" (*wajib-i kifa'i*) to those individuals who have the necessary capability and are worthy of such study.

اشتباهات نحوی: یک مسئله بسیار مهم در نمونه ۳ وجود غلط‌های دستوری یا نحوی است. البته این نوع مشکلات در ترجمه از عمومیت برخوردار نیستند و در تعداد خیلی از موارد به چشم می‌خورند گرچه وجود حتی تعداد کم آنها در چنین اثری برازنده نیست. برای مثال، در جمله اول متن انگلیسی، خواننده بطور طبیعی انتظار دارد به دنبال عبارت *even if it be in summary fashion* یک فعل منفی وجود داشته باشد؛ یعنی ساختار جمله ایجاب می‌کند بجای فعل *is*، از *isn't* استفاده شود. معادل‌هایی که فرهنگ هزاره برای *even if* آورده است عبارتند از: «حتی اگر»، «ولو اینکه»، «با اینکه»،

«به رغم اینکه»، «اگر هم»، «اگرچه... باز هم»، و «درست است که... ولی». این موضوع حاکی از آن است که *even if* برای این جمله انتخاب درستی نیست. به نظر نگارنده، در متن فارسی بعد از «اگرچه» شرطی مطرح می‌شود که در زبان انگلیسی نمی‌توان آن را با *even if* بیان کرد و می‌توان در مقابل آن از *if* استفاده کرد و یک جابجایی در جمله صورت داد و یا با استفاده از راهبرد «کاهش واژگانی» حتی *if* را هم حذف کرد. به این ترتیب، جمله معادل در انگلیسی کاملاً حالت عادی خواهد داشت گرچه روش دوم به ساخت جمله خیلی بهتری می‌انجامد:

- a) It is clear that acquiring knowledge of the principles of religion is possible if it is in summary fashion ...
- b) It is clear that acquiring knowledge of the principles of religion in summary fashion is possible...

مصدق دیگر غلط نحوی در نمونه شماره ۲ جمله زیر است:

Only a few persons have the capacity for demonstrative jurisprudence, nor is such acquiring of detailed knowledge required of everyone, for there are...

در قسمت دوم این جمله که با کلمه *nor* شروع می‌شود یک اشکال نحوی جدی مطرح است. همه آنهایی که حداقل آشنایی با گرامر زبان انگلیسی دارند، بخوبی می‌دانند در جملاتی که *nor* با این کارکرد نحوی بکار می‌رود، اصولاً لازم است فعل قبل از آن شکل منفی داشته باشد؛ یعنی در جمله مورد اشاره فعل *have* باید شکل منفی داشته باشد تا استفاده از *nor* بلااشکال گردد. در نمونه زیر مثال دیگری از ایراد نحوی در ترجمه دیده می‌شود:

نمونه ۱-۲

To say that the Quran is in itself comprehensible to all is not in any way contradictory to the previous assertion that the Prophet and his Household are religious authorities in the Islamic sciences, which sciences in reality are only elaborations of the content of the Quran.

در سطر سوم این نمونه که از صفحه ۹۴ ترجمه انتخاب شده است، بعد از موصول *which*، کلمه *sciences* به عنوان یک اسم و با نقش فاعلی به هیچ وجه نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و استفاده از آن عملاً جمله را دچار اشکال دستوری کرده است.

نمونه ۳

و اما کسانی که به آثار صحابه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آشنایی دارند خوب می دانند که در میان این همه آثار که از صحابه (در حدود دوازده هزار نفر از ایشان ضبط شده) در دست است، حتی یک اثر که مشتمل به تفکر فلسفی باشد نقل نشده...

...those who are acquainted with sayings and works of the companions of the Prophet (of which the names of 12,000 have been recorded and 120,000 are known to exist) know that there is little in them containing an appreciable discussion of philosophical questions.

ترفیع معنایی: همانطور که قبلاً گفته شد، ترفیع معنایی به معنی انتخاب معادل‌های دارای بار معنایی بالاتر از واحدهای معنایی استفاده شده در متن اصلی است. این کار با هر نیتی صورت بگیرد، از نظر اصول ترجمه‌شناسی قابل قبول نمی‌باشد. البته اصل این موضوع از ظرافت بسیار بالایی برخوردار است و قضاوت کردن در مورد مصادیق آن کار آسانی نیست. با این حال، مواردی هر چند معدود در ترجمه مورد بحث ما وجود دارد که به نظر می‌رسد مصداق ترفیع معنایی باشند. برای مثال، در نمونه ۳ ملاحظه می‌شود که نویسنده متن فارسی می‌گوید «حتی یک اثر که مشتمل به تفکر فلسفی باشد نقل نشده»، اما مترجم می‌نویسد:

...there is little in them containing an appreciable discussion of philosophical questions.

عبارت there is little حکایت از آن می‌کند که «آثاری وجود دارد اگرچه در حد کفایت نیست»، در حالیکه در متن فارسی صحبت از نبود حتی یک اثر است. به این ترتیب، معلوم می‌شود که تراز معنایی معادل انگلیسی انتخاب شده بالاتر است.

نمونه‌های دیگری از ترفیع معنایی در عنوان صفحه ۱۰۹ (Outstanding Intellectual Figures of Shi'ism در مقابل «چند تن از نوابغ علمی شیعه»)، سطر ۱۵ صفحه ۱۱۳ (a great deal of) در مقابل «خبری از... نیست») و غیره دیده می‌شود.

نمونه ۴

پس یکی از راههای درک معارف الهیه، همان تهذیب نفس و اخلاص در بندگی است
Thus it may be said that one of the paths for the comprehension of religious verities and sciences is the purification of the carnal soul and sincerity in obedience to God.

تنزل معنایی: تنزل معنایی به معنی پایین آوردن تراز معنی در واحدهای معنایی زبان مبدأ است. در ترجمه مورد بررسی ما مواردی از این نوع اشکال وجود دارد که در نمونه شماره ۴ شاهد یکی از آنها هستیم.

در اینجا، عبارت religious verities and sciences به عنوان معادل «معارف الهیه» بکار رفته است، در حالیکه به نظر می‌رسد معنای این عبارت پایین‌تر از «معارف الهیه» است. شاید معادلی مانند Divine verities بتواند مبین معنای آن باشد. مصادیق دیگری از این مسئله در سطر ۱۷ صفحه ۱۰۱ (difficulties در مقابل سرنوشت اسف‌بار)، سطر ۳۳ صفحه ۱۰۱ (saying در مقابل حدیث) و غیره به چشم می‌خورد.

نمونه ۵

با توجه در آیات کریمه ذیل این مدعا کاملاً روشن می‌شود:

- الف- «وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحى اليه انه لا اله الا انا فاعبدون». (الانبیاء، ۲۵)
ب- و می‌فرماید: «سبحان الله عما يصفون الا عباد الله المخلصين». (الصفات، ۱۵۹ و ۱۶۰)
ج- و می‌فرماید: «قل انما انا بشر مثلکم یوحى الی انما الهکم اله واحد فمن كان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرك بعبادة ربه احداً». (الکھف، ۱۱۰)
د- و می‌فرماید: «و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین». (الحجر، ۹۹)
ه- و می‌فرماید: «و کذلک نرى ابراهيم ملکوت السموات و الارض و لیكون من الموقنین». (الانعام، ۷۵)
و- و می‌فرماید: «کلا ان کتاب الابرار لفی علیین و ما ادریک ما علیون، کتاب مرقوم، یشهده المقربون». (المطففین، ۱۸-۲۱)

ز- و می‌فرماید: «کلا لو تعلمون علم الیقین لثرون الجحیم». (التکاثیر، ۵ و ۶)

Deliberation upon the following holy verses illuminates fully this claim: "And We sent no messenger before thee but We inspired him (saying): There is no God save Me (Allah), so worship Me" (Quran, XXI, 25); and, "Glorified be Allah from that which they attribute (unto Him), Save single-minded slaves of Allah" (Quran, XXXVII, 159 -160); and, "Say, I am only a mortal like you. My Lord inspireth in me that your God is only One God. And whoever hopeth for the meeting with his Lord, let him do righteous work, and make none sharer of the worship due unto his Lord" (Quran,

XVIII, 111); and, "And serve the Lord till the inevitable [al-yaqin] cometh unto thee" (Quran, XV, 99); and God says, "Thus did We show Abraham the Kingdom of the heavens and the earth that he might be of those possessing certainty" (Quran, VI, 76); and "Nay, but the record of the righteous is in 'Iliyin - Ah! what will convey unto thee what 'Iliyin is! - A written record, attested by those who are brought near (unto their Lord)" (Quran, LXXXIII, 18-21); and, "Nay, would that ye knew (now) with a sure knowledge [ilm al-yaqin]! Ye will behold hellfire" (Quran, XII, 5-6).

ترجمه آیات قرآن: ویژگی خاص نمونه ۵ این است که به استثناء سطر اول، همه آن را آیات قرآن تشکیل می‌دهد. اصولاً ترجمه قرآن به دلیل جایگاه ویژه آن از حساسیت خاصی برخوردار است و بر همین اساس، شایسته است ترجمه آن با در نظر گرفتن این امر و با دقت و ممارست مضاعفی صورت گیرد. با این حال، چند مسئله در مورد نمونه ۵ مطرح است.

مسئله اول این است که بر اساس بررسی‌های نگارنده، مترجم در جایی نگفته است که آیات توسط خود ایشان ترجمه شده‌اند و یا اینکه مستخرج از نسخه‌های ترجمه شده قرآن هستند. اما عملاً ترجمه این آیات منطبق بر نسخه‌ایی است که توسط مارمادوک پیکتال^۱ ترجمه شده است. هر چند این موضوع رافع مسئولیت مترجم در خصوص مشکلات مربوط به ترجمه آیات نیست، اما لازم بود بر اساس قانون مربوط به حقوق مؤلفین و مصنفین منبع مورد استفاده ذکر می‌گردد.

همانطور که گفته شد، ترجمه آیات از نسخه ترجمه شده قرآن توسط پیکتال استخراج شده است. یکی از ویژگی‌های این ترجمه آن است که سبک زبانی آن با سبک امروزی زبان انگلیسی بسیار متفاوت است. برای مثال، در نمونه ۵ کلماتی مانند *ye* و *thee* و پسوندهای صرفی مانند *-th* در کلمه *inspireth* به چشم می‌خورد که برای انگلیسی زبان‌های امروزی ناآشنا هستند. اگرچه ترجمه پیکتال، اثر خیلی جدیدی نیست و متعلق به سال ۱۹۳۰ می‌باشد (واعظی، ۱۳۸۸)، اما به نظر می‌رسد وی بر اساس اصل وفاداری به سبک پیام زبان مبدأ سعی کرده است از این گونه مؤلفه‌ها استفاده کند. با این وجود، بر اساس آنچه که واعظی (۱۳۸۸) از حضرت آیت‌الله معرفت بیان می‌کند ترجمه (قرآن) برای استفاده عموم است و لازم است در ترجمه آن از استعمال مصطلحات پرهیز شود.

1 - Marmaduke Pictall

موضوع معادل‌یابی از مسائل دیگری است که در مورد نمونه ۵ مطرح است. برای مثال، در ترجمه آیه ۱۶۰ سوره صافات از ترکیب *single-minded slaves* به عنوان معادل «عبادالله المخلصین» استفاده شده است. در فرهنگ هزاره و دیگر فرهنگ‌های انگلیسی فارسی معادل‌هایی از قبیل «استوار»، «مصمم»، «ثابت قدم»، «قاطع»، و «راسخ» برای *single-minded* استفاده شده است. البته طرح این موارد بدان معنی نیست که ترجمه را می‌توان بر اساس معادل‌های ارائه شده در فرهنگ لغت انجام داد، بلکه هدف نشان دادن تفاوت فاحش بین حوزه معنایی این دو عبارت است. مترجم محترم در جاهای دیگر ترجمه از *sincerity* به عنوان معادل «اخلاص» و از *sincere* به عنوان معادل «مخلص» استفاده کرده است. به نظر نگارنده معادل انتخاب شده برای «عبادالله المخلصین» مناسب نیست و عبارات *the sincere servants* و یا *the purified ones (servants)* که شاکر نیز در ترجمه خود بکار برده است می‌توانند معادل‌های مناسبی برای این عبارت باشند. افزایش یا کاهش واژگانی نیز از موضوعاتی است که گاهاً در ترجمه آیات به چشم می‌خورد. برای مثال، به نظر می‌رسد در ترجمه آیه ۷۵ سوره انعام، دلیل محکمی برای استفاده از کلمات *did* و *might* وجود ندارد. در زبان انگلیسی افعال کمکی مانند *did* در جملات خبری و قبل از فاعل برای تأکید مورد استفاده قرار می‌گیرند ولی به نظر نمی‌رسد در آیه مورد اشاره نشانه‌ایی از تأکید وجود داشته باشد. فعل کمکی *might* نیز در ادامه آیه بیانگر مفهوم احتمال است. یعنی ترجمه انگلیسی آیه می‌گوید «... تا شاید او به مقام اهل یقین برسد»، در صورتیکه اصل آیه می‌گوید «... تا او به مقام اهل یقین برسد». و اما نکته آخر وجود اشتباه چاپی در شماره آیات و یا سوره‌ها می‌باشد گرچه مصادیق آن زیاد است. برای مثال، در نمونه شماره ۵ آیه ۱۱۰ سوره کهف اشتهاً ۱۱۱ و آیه ۷۵ سوره انعام اشتهاً ۷۶ چاپ شده است. در مقابل، در جاهایی مانند پاراگراف ۳ صفحه ۱۰۰ ترجمه که شماره آیات در متن اصلی اشتباه بوده است (آیه ۷۹ سوره واقعه)، از طرف مترجم تصحیح گردیده است. (آیات ۷۷ تا ۷۹)

نتایج مقاله

ترجمه کتاب شیعه در اسلام با در نظر گرفتن مشکلاتی که نوعاً انجام چنین کار بزرگی می‌تواند در بر داشته باشد، با موفقیت ستودنی انجام پذیرفته است. در این مقاله

بررسی‌ها و تحلیل‌هایی در باره نقاط قوت و ضعف آن صورت پذیرفت که می‌توان موارد زیر را از آنچه که گفته شد نتیجه‌گیری کرد:

۱- مترجم واژگانی را اضافه بر آنچه که اصل متن در بر دارد مورد استفاده قرار داده است که در برخی جاها باعث ایجاد انسجام بیشتر و سلاست متن گردیده است ولی در بعضی جاهای دیگر موجب طولانی شدن بی‌دلیل متن شده است. برخلاف افزایش واژگانی، کاهش واژگانی هر چند موارد آن بسیار اندک است، در راستای حذف برخی واحدهای معنایی متن اصلی صورت پذیرفته است.

۲- بطور کلی مترجم در استفاده از معادل‌های واژگانی و نحوی موفق عمل کرده است، ولی در مواردی هر چند اندک، معادل‌های واژگانی از دقت کافی برخوردار نیستند و برخی اشکالات نحوی نیز به چشم می‌خورد.

۳- مترجم بدون در نظر گرفتن سبک متن اصلی و با عنایت به نیازهای مخاطبین خود، تغییراتی را در سبک ترجمه ایجاد کرده است که از نظر نگارنده سازوکار مثبتی به حساب می‌آید.

۴- در برخی موارد معادل‌های واژگانی بطور هماهنگ مورد استفاده قرار نگرفته‌اند.

۵- در مواردی هر چند اندک، معانی متن اصلی تنزل یا ترفیع پیدا کرده‌اند.

۶- اگرچه ترجمه آیات قرآن کریم از نسخه ترجمه شده پیکتال استخراج شده‌اند، اما در برخی موارد محدود اشکالاتی در معادل‌های واژگانی و نحوی آن نیز به چشم می‌خورد. همانطور که قبلاً نیز خاطر نشان گردید طرح اشکالات ترجمه با نیت ارتقای کیفیت این اثر ارزشمند صورت پذیرفت. امید است با رفع این ایرادات اندک از طرف مترجم یا ناشر، این اثر در مراحل بعدی با کیفیت بسیار بالاتری عرضه گردد.

کتاب‌شناسی

الف - منابع فارسی

- ۱- تقیه، محمد حسن، ترجمه قرآن: چالش‌ها و راهکارها، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
- ۲- همو، نقد چیست؟، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال سوم، شماره یازده، ۱۳۸۴ ه.ش.
- ۳- حق‌شناس، علی‌محمد؛ سامعی، حسین؛ انتخابی، نرگس، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی. تهران، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۳ ه.ش.

- ۴- سهیلی، ابولقاسم، دیدگاه‌های نقد ترجمه، فصلنامه ترجمه، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲، سال ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۵- صفوی، کورش، هفت گفتار در باره ترجمه، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۶- صفوی، کورش، طرح چند ملاک درون‌زبانی در نقد نظام‌مند ترجمه، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال اول، شماره سوم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۷- ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، در پورجوادی، نصرالله، درباره ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۸- صلح‌جو، علی، در پورجوادی، نصرالله، درباره ترجمه، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- ۹- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید. تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- ۱۰- فرحزاد، فرزانه، چارچوبی نظری برای نقد ترجمه، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال اول، شماره سوم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۱۱- منصوری، مهرزاد، بحثی در مابای نظری ترجمه متون دینی، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۱۲- واعظی، محمود، نقد و ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم از سوره مبارکه الانسان، پژوهش دینی، شماره ۱۸، سال ۱۳۸۸ هـ.ش.

ب- منابع انگلیسی

- 13- Baker, Mona, In Other Words: A Coursebook on Translation, London and New York: Routledge, 1995.
- 14- Calzada Perez, M., Apropos of Ideology: Translation Studies on Ideology – Ideologies in Translation Studies, Manchester: St. Jerome, 2003.
- 15- Mollanazar, H and Mohaqeq S., The Holy Quran: Translation and Ideological Propositions, Translations Studies, Vol, 3, No 11, 2005.
- 16- Newmark, Peter, Approaches to Translation: Cambridge University Press, 1988.
- 17- Nida, E. A. Toward a Science of Translation: With Special Reference to Principles and Procedures Involved in Bible Translating. Leiden: E. J. Brill, 1964.
- 18- Reiss, K., Translation Criticism – The Potentials and Limitations: Categories and Criteria for Translation Quality Assessment, (Translated by Rhodes, E. F.) Manchester: St. Jerome Publishing, 1971/2000.
- 19- Robinson, D., Literal Translation and Metaphrase. In: Baker, M. (ed). Encyclopedia of Translation Studies, London and New York: Routledge, 1998.
20. Shaker, Mohammad, The Holy Quran, Qom: Ansarian Publications, 1410 / 1990.